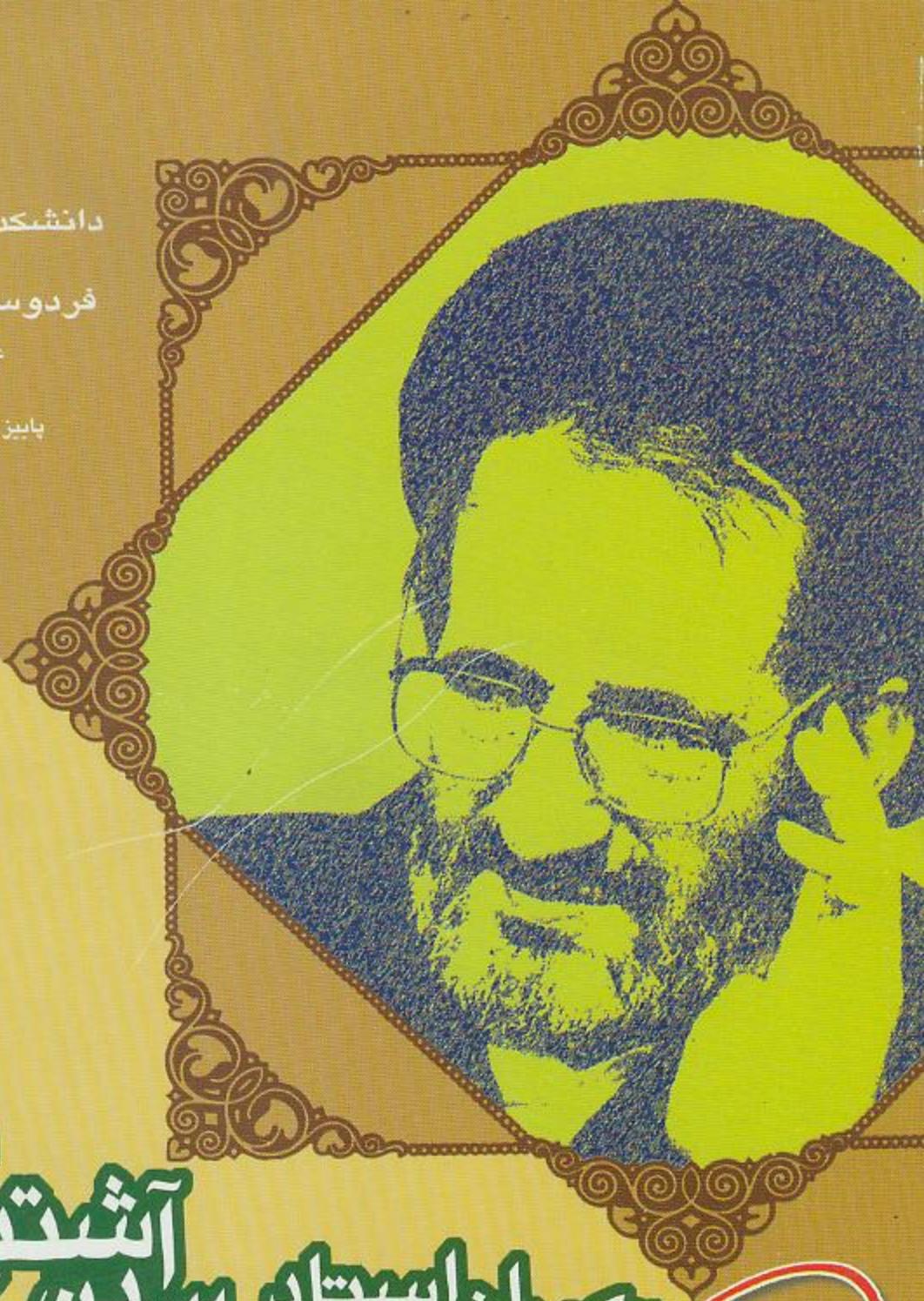




فشریه
 دانشکده الهیات
 دانشگاه
 فردوسی مشهد
 علمی - پژوهشی
 شماره ۴۱ و ۴۲
 پاییز و زمستان ۱۳۷۷



آشتیانی حکو دشت استاد الدین سید جلال

پیشینه
 ویژه ماه



مجله علمی الهیات
 شماره ۴۱ و ۴۲
 ۱۳۷۷

فلسفه علم *

آنتونی هاریسون باربت

ترجمه علی حقی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در این مقاله نویسنده اهم مفاهیم مطرح در فلسفه علم کنونی را توضیح داده است. بحث وی از استقراء شروع می شود و پس از تشریح نارساییهای آن در تبیین معرفت علمی، به راه‌حلهای بدیل دیگر مانند عملیات گزایی، ابزار انگاری، مکتب تأیید و مکتب ابطال روی می آورد و همه این مکاتب را با ذکر ادله و شواهد طرح و بررسی و احیاناً انتقاد می کند. استنتاج و تبیین علمی، نظریه، قانون، فرضیه و سمرشق در علم، مفهوم مدل و سادگی در تبیین علمی از دیگر مباحث مطروحه در این مقاله است. بحث پایانی نویسنده، مفهوم پیشرفت و حقیقت در علم است و در آن این نکته بررسی می شود که الگوی پیشرفت در علم چیست و برحسب چه معیاری سنجیده می شود. این مباحث اگر چه به زبان ساده نوشته شده اند، به هیچ روی ساده نیستند و فیلسوفان بزرگ علم در عصر حاضر هر کدام عمری بر سر این مفاهیم نهاده اند و بهره‌ای از آنها را روشن یا معضلی را حل کرده اند. هنر نویسنده این است که این مباحث مهم را - تقریباً بی کم و کاست - در این مقاله گنجانده است.

* مأخذ ترجمه:

Anthony Harrison - Barbet, *Mastering philosophy* (London: Macmillan, 1990).
PP. 237-255.

۱- درآمد

ما در عصر علم زندگی می‌کنیم؛ انسان نه تنها در شناخت جهان، بلکه در بردن بهره عملی از معرفت علمی و از این رهگذر بهتر ساختن چگونگی زندگی، علی‌الخصوص در این قرن، پیشرفتی داشته است چشمگیر. به پیرامون خود هر جا که بنگریم دستاوردهای علم را می‌بینیم؛ تلویزیون، هواپیما، داروهای جدید برای غلبه بر بیماریها، کامپیوتر، مواد ترکیبی برای تولید پارچه و اسباب و اثاثیه خانه. اما علم‌رویی دیگر و نهانی‌تر هم دارد. توانسته‌ایم به ماه برویم و دیربست که سر آن داریم بر مریخ هم پای گذاریم؛ ولی زمین را - که مادر است - تباه کرده‌ایم. منابع مادی را باگشاده‌دستی بی‌سابقه‌ای به مصرف رسانده‌ایم؛ جنگلهای پرباران مناطق حاره را تباه و نابود کرده‌ایم. دقیقه‌ای نیست که دست‌کم ۵۰ هکتار از درختان این جنگلها را نبریم؛ اسیدبارانهای آلوده‌ساز بر خاک فرو ریزانده‌ایم و جو را به مواد سمی آلوده کرده‌ایم. از این رهگذر، در وضعیت و موقعیت جهان دگرگونی‌هایی وارد آورده‌ایم دراز آهنگ و برگشت‌ناپذیر.^(۱) اما درست نیست که گناه این همه فساد و تباهی را به گردن دانشمندان بیندازیم. گرفتاریهای آدمیزاد، علل و اسبابی دارد بسیار که بیشتر آنها از سنخ اسباب و علل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در واقع، همه ما باید کم و بیش بهره‌خودمان را از مسؤلیت بپذیریم؛ و بر هر کدام از ما فرض است - در صورتی که اصلاً علاقه‌ای به نسلهای آینده داشته باشیم - هر کار که از دستمان بر می‌آید بکنیم تا آب رفته را به جوی بازگردانیم. از این گذشته، چندان که نحوه استفاده ما از علم سزاوار محکومیت است، خود علم فی حد ذاته نیست. در این صورت، پس علم چیست؟ دانشمند چه کاری می‌خواهد بکند؟ روشهای وی کدامند؟ در واقع، این پرسشهای ظاهراً سراسر است، بی‌گمان به بعضی از مسائل کاملاً غامض فلسفی مؤدی می‌شوند.

واژه علم مشتق از واژه لاتینی scientia به معنی knowledge [= دانش]